

بررسی وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی کشور

اورانوس تاج‌الدینی^۱ | فهیمه باب‌الحوائجی^۲

۱. دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران. tagedini.o@gmail.com

۲. عضو هیأت علمی گروه علم اطلاعات و دانش شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

F.babalhavaeji@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۳

چکیده

هدف: امروزه ترجمان دانش (Knowledge Translation)، فرایندی است که دانش را از بی‌مصرفی به عرصه‌ی عمل منتقل می‌نماید. این پژوهش با هدف بررسی وضعیت ترجمان دانش در میان صاحب‌نظران علوم انسانی کشور به انجام رسیده است. **روش پژوهش:** این پژوهش از نوع پژوهش‌های پیمایشی-تحلیلی است. جامعه‌ی پژوهش حاضر کلیه‌ی اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم انسانی سراسر کشور از رشته‌های مختلف علوم انسانی می‌باشند که بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر از آن‌ها با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده‌ی آن پرسشنامه‌ی محقق ساخته بوده که بر اساس مدل ترجمان دانش انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا طراحی گردیده و روایی آن به‌صورت صوری و محتوایی سنجیده شده است. جهت تعیین پایایی این پرسشنامه ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده ۰/۸۹٪ تعیین شد. روش‌های آمار توصیفی (تعیین فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و...) و آزمون‌های تی‌تست، آنوا، کای دو، همبستگی پیرسون و رگرسیون؛ برای تجزیه و تحلیل آماری مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج حاصله از این پژوهش نشان دادند که ۶۱/۸٪ از اعضای هیأت علمی علوم انسانی کشور وضعیت منبع پژوهش، ۵۶/۶٪ از ایشان وضعیت محتوای پژوهش، ۶۶/۳٪ از ایشان وضعیت زمینه‌ی پژوهش، ۴۶/۳٪ از ایشان وضعیت محیط ارتباطی و ۵۸/۹٪ از ایشان وضعیت کاربران در ترجمان دانش علوم انسانی را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند؛ همچنین ۲۲/۴٪ از آن‌ها وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی کشور را به‌طور کلی متوسط دانسته‌اند.

نتیجه‌گیری: براساس نتایج این پژوهش وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی ایران از دیدگاه اعضای هیأت علمی علوم انسانی کشور ضعیف است (۷۳/۴ درصد). این موضوع نشان‌دهنده‌ی آن است که علوم انسانی اصولاً با وجود نقش مهم و اساسی که در ایجاد تحول و بالندگی فکر، روان و رفتار افراد دارند، هنگام پیش آمدن مباحث کاربردی و عملی در مهجوریت و انزوا قرار می‌گیرند. انزوای علمی که دارای ماهیت انسان‌سازی هستند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بدنه‌ی درونی جامعه وارد می‌سازد. آسیب‌های روانی و اجتماعی که زمینه‌ساز بی‌سازمانی اجتماعی‌اند و به شکل مستمر و فزاینده‌ی ارزش‌های محوری جامعه را مورد چالش قرار می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: ترجمان دانش، علوم انسانی، مدیریت دانش، کاربرد دانش.

مدیریت دانش به عنوان ابزاری پایا، جهت بهینه‌سازی عملکرد سازمان‌ها مطرح و در سازمان‌دهی فکری، انسانی و علمی مبتنی بر نیاز سازمان به کار می‌رود (بهت^۱، ۲۰۰۲). در این راستا ترجمان دانش به عنوان یکی از جنبه‌های اصلی و هسته‌ی مدیریت دانش توسط برخی از پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است (فریکه^۲، ۲۰۰۲). بسیاری از پژوهشگران دریافته‌اند که ترجمان دانش به خصوص در عصر جاری که سازمان‌ها باید با استفاده از نتایج پژوهش‌ها، علم را به عمل بدل ساخته تا در فضای رقابتی باقی بمانند، بسیار اهمیت دارد و در واقع بدون ترجمان دانش، دانش و مدیریت دانش اثربخش نخواهند بود و سازمان‌ها به گونه‌ای تدریجی قدرت رقابتی خود را از دست خواهند داد. موضوع ترجمان دانش توسط اندیشمندان مختلفی به صورت مدل‌های گوناگونی تبیین شده است. یکی از مدل‌های استاندارد جهانی در حوزه‌ی ترجمان دانش مدل انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا^۳ است که شامل منبع^۴، محتوا^۵، زمینه^۶، محیط ارتباطی^۷ و کاربر^۸ می‌باشد (نایدردر^۹، ۲۰۰۶).

مبانی پیشرفت و ارتقاء هر کشور در نظام آموزش عالی آن کشور نهفته است (گونا و ماسیو، ۲۰۰۹). دانشگاه‌ها می‌توانند به عنوان محیطی آموزشی و پژوهشی، مکانی مناسب برای انتقال دانش و پیاده‌سازی فرهنگ ترجمان دانش به شمار آیند. اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌ها مالک دانش ضمنی و عینی هستند (فیول و لایلس^{۱۰}، ۱۹۸۵). دانشی ضمنی قابل ارائه به شکل ملموس نیست و طی تدریس و یا در نتیجه‌ی تجربه‌ی حرفه‌ای ناشی از مهارت‌های شناختی، توانایی حل مسئله و انجام پژوهش کسب می‌شود، درحالی‌که دانش عینی همچون گزارش‌های پژوهشی، جزوات و دیگر مدارک، قابل لمس است (ارسطوپور، ۱۳۸۶). علوم انسانی نیز با توجه به دارا بودن نقش مهم و قابل تأمل در چرخه‌ی دانش مانند سایر علوم برای

شکوفایی نیاز به کاربردی بودن و کاربردی شدن دارد. استنتاج نظری و ارزیابی تحلیلی در علوم انسانی منجر به تبدیل این علوم به محصول‌هایی نظیر ابزارهای سنجش روانی و شخصیتی، آزمون‌های روانشناسی، آزمون‌های هوش، الگوهای ارتباطی، مدل‌های اطلاع‌یابی، نظریه‌های اطلاعاتی، آموزه‌های اخلاقی و حتی مقالات و رساله‌های گوناگون و نیز ارائه‌ی نظریه‌های علمی مختلف در حیطه‌ی علوم انسانی می‌گردد. در همین راستا با توجه به اهمیت شایان توجه به علوم انسانی و تأثیرهای منفی کاربردی نشدن این علوم در سطح جامعه، این پژوهش درصدد است با بررسی تأثیر عوامل مداخله‌گر در ترجمان دانش با استفاده از یکی از مدل‌های این حوزه که توسط انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا ارائه شده، به بررسی وضعیت ترجمان دانش با بهره‌گیری از نقطه نظرات صاحب‌نظران حوزه‌ی علوم انسانی بپردازند، تا شاید افقی نوین در این حوزه پدیدار گردد.

مطالعه‌ی متون و جست‌وجو در پایگاه‌های اطلاعاتی مختلف داخلی و خارجی نشان داد که این تحقیق را شاید می‌توان جزء معدود تحقیقاتی دانست که در این حوزه صورت گرفته است. نجات و همکاران (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان "خودارزیابی انتقال دانش در مؤسسات پژوهشی (کاربردی کردن مدل ترجمه دانش)" به طراحی ابزاری برای این امر پرداختند که شامل پنجاه عبارت در چهار حیطه‌ی مجزا شامل: سؤال پژوهش، تولید دانش، انتقال دانش و ترویج استفاده از دانش می‌باشد. ابزار خودارزیابی سازمان‌های تولیدکننده دانش در واقع روشی برای شناسایی و فهرست نمودن موانع انتقال دانش در سازمان است که به صورت گروهی و نه به صورت فردی، به کار گرفته می‌شود. نکته‌ی مهم این است که این ابزار برای انجام مطالعات پیمایشی و ارزیابی‌های کمی نتایج آن‌ها تهیه نشده است.

یزدی‌زاده و نجات (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان "مداخله

⁶ Context

⁷ Medium

⁸ User

⁹ NIDRR

¹⁰ Fiol & Lyles

¹ Bahtt

² Fricke

³ National Institute on Disability and Rehabilitation Research (NIDRR)

⁴ Source

⁵ Conten

نظرش بررسی نموده و در خصوص کنش تقابل فرایند پیوستگی و مبادله‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات به هنجارهایی دست یافت.

لانه^۲ و روزرز^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای با عنوان "به‌کارگیری سازمان‌های ملی ترجمان دانش: یک مطالعه‌ی تطبیقی در مسیر ارزش‌گذاری دانش" یک پژوهش تطبیقی از طریق مصاحبه‌ی ساختاریافته با اعضاء ارشد و مدیران شش سازمان ملی به انجام رساندند که طی آن به این نتیجه دست یافتند که همه‌ی این سازمان‌ها به زمینه‌های کاری و مورد علاقه‌ی اعضاء خود اهمیت داده و نیز علاقه‌مند به اشتراک یافته‌های پژوهشی سازمان خود برای استفاده‌ی بهینه از نتایج پژوهش‌های خود، با در نظر گرفتن تعهدات سازمانی هستند.

با مطالعه‌ی متون مربوط به ترجمان دانش می‌توان به این نتیجه رسید که ترجمان دانش از جنبه‌ها و ابعاد خاص، در محیط‌های مختلف و برای گروه‌های متفاوت اهمیتی گسترده دارد. بررسی پیشینه‌های مرتبط با این موضوع در دو بخش داخلی و خارجی نشان داد که اکثر پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد ترجمان دانش در گروه‌های علوم پزشکی ولی با اهداف و روش‌های متفاوتی انجام شده بودند. شاید ضرورت روزآمد بودن علم افراد شاغل در این علوم به علت ارتباطشان با نعمت حیات و جامعه‌ی هدف انسانی از یک سو و عملی بودن این مشاغل از سوی دیگر نیاز به بررسی میزان بهره‌وری از نتایج پژوهش‌ها در علوم پزشکی را بیشتر نمایان ساخته، البته مطمئناً ارائه‌ی مدل‌های متفاوت ترجمان دانش در این علوم و یا از سوی مؤسسات علوم پزشکی در ایجاد این وضعیت بی‌تأثیر نبوده است.

این پژوهش با هدف شناخت وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی از دیدگاه اعضاء هیأت‌علمی علوم انسانی کشور انجام شده است و درصدد پاسخ به این پرسش‌ها خواهد بود:

۱. وضعیت منبع پژوهش در ترجمان دانش از دیدگاه اعضاء هیأت‌علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟

برای ارتقاء ترجمان دانش پژوهش: چرا و چگونه می‌توان بهره‌برداری دانش حاصل از پژوهش را از طریق مجله‌های علوم پزشکی افزایش داد؟» برای شناسایی تغییرات لحاظ شده در مجله‌ها به‌منظور تقویت ترجمان دانش، جست‌وجو در مجله‌هایی که از طریق اینترنت در دسترس می‌باشند را آغاز نمودند. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که برای رویارویی با این مسئله دو اتفاق مهم در حوزه‌ی نشریات پزشکی رخ داده است: تغییر شکل مقالات و تولید مجله‌های جدید. این پژوهش بیان می‌دارد که متأسفانه تغییرهای ذکرشده هنوز مورد توجه تعداد کثیری از مجله‌های بین‌المللی و همچنین مجله‌های پزشکی داخلی قرار نگرفته است. به همین دلیل برای تقویت ترجمان دانش در حوزه‌ی سلامت از طریق مجله‌ها در کشور پیشنهاد نموده است که مجله‌ها علاوه بر ساختارمند نمودن خلاصه‌ی مقالات، بخشی را با عنوان «جمع‌بندی» به مقالات اضافه نمایند. فضلی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان "فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی" با هدف بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در بین نمونه‌ای هدف‌مند متشکل از ۱۲۹ نفر از اعضاء هیأت‌علمی، کتابداران و دانشجویان رشته‌ی کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی در هفت دانشگاه علوم پزشکی در ایران با روش پیمایشی تحلیلی به این نتیجه دست‌یافت که بهره‌برداری صحیح از دانش و استفاده از نتایج پژوهش موجب عدم اتلاف بودجه و زمان است، لذا ساماندهی پژوهش‌ها به‌نحوی که نتایج آن‌ها در عملکرد علمی ذی‌نفعان پژوهش تبلور پیدا کند، بسیار مهم است.

هوسه^۱ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان "یک مطالعه‌ی موردی ترجمان دانش" به ارزیابی محتوایی فرایند پیوستگی و مبادله فناوری اطلاعات و ارتباطات در گروه سیاست‌گذاری دارو در کشور کانادا پرداخت. وی با یک دیدگاه انتقادی بر اساس مدل مؤسسه‌ی کانادایی تحقیقاتی سلامتی ترجمان دانش، با برگزاری کارگاهی پیشروی، تراکنش و انتقال دانش را در جامعه‌ی مورد

³ Rogers

¹ Househ

² Lane

۲. وضعیت محتوای پژوهش در ترجمان دانش از دیدگاه
اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
۳. وضعیت زمینه‌ی پژوهش در ترجمان دانش از دیدگاه
اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
۴. وضعیت محیط ارتباطی در ترجمان دانش از دیدگاه
اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
۵. وضعیت کاربران در ترجمان دانش از دیدگاه
اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
۶. وضعیت ترجمان دانش از دیدگاه
اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟

روش پژوهش

این پژوهش کاربردی با روش پیمایشی- تحلیلی انجام شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی در گروه‌های آموزشی علوم انسانی سراسر کشور است. با توجه به گستردگی جامعه‌ی آماری، پژوهشگران ناگزیرند جامعه‌ی آماری خود را به نمونه محدود کرده و بر اساس آن به تحلیل و بررسی بپردازند. طبق اعلام وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری تعداد کل اعضای هیأت علمی تمام‌وقت در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور ۶۳۸۱۸ نفر در سال ۱۳۹۱ است، اما از آنجاکه آمار دقیقی از اعضای هیأت علمی متعلق به گروه‌های آموزشی علوم انسانی در دست نبود و تنها دقیق‌ترین آمار مربوط به مؤسسه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی، تحت نظارت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است که تعداد اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم انسانی را تا سال ۱۳۹۰، ۲۱۰۴۶ نفر اعلام کرده است. این پژوهش نیز به همین آمار استناد نمود. بنابراین با توجه به این‌که متخصصین آمار از جمله لین (۱۹۷۶)، برای چنین جمعیتی، با p و q معادل $0/5$ و خطای نمونه‌گیری $\pm 5/5$ و سطح اطمینان $95/5$ ، نمونه‌ای بین ۳۰۰-۴۰۰ نفر را مناسب می‌دانند، همچنین با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه‌ی به‌دست‌آمده برابر است با ۳۸۰ نفر. در این پژوهش از روش

نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شده است؛ که ابتدا دانشگاه‌های موجود را شناسایی نموده و در ادامه‌ی کار، دانشگاه‌ها با توجه به رتبه اخذ شده‌ی هر دانشگاه دسته‌بندی شده‌اند. در این پژوهش با استفاده از فهرست رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی ایران که از سوی پایگاه استنادی جهان اسلام ارائه شده است، دانشگاه‌های آزاد اسلامی، پیام‌نور و غیرانتفاعی هنگام نمونه‌گیری حذف شدند. البته شایان‌ذکر است که رتبه‌بندی حاضر بر اساس معیارها و شاخص‌های رتبه‌بندی مصوب ششمین نشست فوق‌العاده وزرای آموزش عالی و تحقیقات علمی کشورهای اسلامی در سال ۲۰۱۱ میلادی در شهر جدی عربستان سعودی است (پایگاه استنادی جهان اسلام، ۱۳۹۲).

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش، پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بوده است که با توجه به مدل انستیتو ملی تحقیقات ناتوانی و بازتوانی آمریکا طراحی گردیده است. با وجود مدل‌های مختلف موجود در ترجمان دانش پژوهشگران این مدل را به علت جامعیت، گویایی، روزآمدی و در عین حال سادگی به‌عنوان پشتوانه‌ی نظری پرسشنامه‌ی پژوهش انتخاب کرده است. در این پژوهش جهت تعیین پایایی پرسشنامه‌ی موردنظر، آن را بین ۳۰ نفر از اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی از دانشگاه‌های مختلف جهت انجام پیش‌آزمون توزیع نموده و سپس با استفاده از محاسبه‌ی ضریب آلفای کرونباخ قابلیت اعتماد آن مورد سنجش قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده ۸۹٪ تعیین شد که نشان می‌دهد ابزار پژوهش از پایایی مناسبی برخوردار بوده است. این پرسشنامه در دو قسمت و با طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای تنظیم شده است. پرسشنامه موردنظر با مراجعه‌ی حضوری توزیع و داده‌های موردنیاز جمع‌آوری شد.

برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار SPSS17 استفاده شده است. جهت دستیابی به پاسخ سؤال‌های پژوهش و تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش روش‌های آمار توصیفی (تعیین فراوانی، میانگین، انحراف استاندارد و...) و آمار

¹ <http://ur.isc.gov.ir/Methodology.aspx>

دانش از دیدگاه اعضاء هیأت‌علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟

برای پاسخ‌گویی به این سؤال، روش کار بدین صورت است که ۹ سؤال بسته در قالب یک پرسشنامه در اختیار اعضاء هیأت‌علمی قرار گرفت و به بررسی دیدگاه آن‌ها در ارتباط با وضعیت منبع پژوهش در ترجمان دانش پرداخته شد.

استنباطی (آزمون‌های تی‌تست، آنوا، کای دو، همبستگی پیرسون و رگرسیون) مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: وضعیت منبع پژوهش در ترجمان

جدول ۱. آماره‌های توصیفی مربوط به سؤال منبع پژوهش (تعداد پاسخگو=۳۸۰)

میزان درصد طیف‌ها					سؤالات
کاملاً موافق	بسیار موافق	متوسط	بسیار مخالف	کاملاً مخالف	
۱/۸	۱۶/۱	۱۶/۶	۳۹/۵	۲۶/۱	عدم وجود صلاحیت علمی لازم در نویسندگان منابع
۱۱/۳	۲۸/۲	۲۰	۲۵/۸	۱۴/۷	اعتبار علمی پایین در مقاله‌های علمی چاپ شده
۸/۲	۲۰	۵/۵	۴۴/۵	۲۱/۸	عدم وجود انگیزه کافی در پژوهشگران برای نوشتن مقالات علمی
۳۵/۵	۴۳/۷	۱۲/۹	۵/۵	۱/۸	عدم اعتبار علمی مناسب پایان‌نامه‌های منتشر شده
۲۷/۶	۴۰	۵/۳	۱۶/۸	۱۰/۳	فقدان کاربرد عملی نتایج مقالات چاپ شده
۳۳/۷	۳۸/۷	۱۹/۲	۷/۱	۱/۳	فقدان کاربرد عملی نتایج پایان‌نامه‌های منتشر شده
۱۷/۴	۲۰/۳	۳۴/۷	۱۲/۴	۱۵	چاپ مقالات صرفاً جهت ارتقاء رتبه علمی
۳/۴	۱۶/۸	۹/۲	۴۷/۹	۲۲/۶	سطحی بودن ترجمه‌های موجود
۱۷/۴	۲۰/۳	۳۵	۱۲/۴	۱۵	عدم وجود مقالات خوب و معتبر

دانش از دیدگاه اعضاء هیأت‌علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟

این مسئله توسط ۱۱ سؤال بسته از اعضاء هیأت‌علمی پرسیده شده، آنچه در جدول ۲ آمده است، دیدگاه اعضاء هیأت‌علمی رشته‌های علوم انسانی در ارتباط با وضعیت محتوای پژوهش در ترجمان دانش است.

در مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۲۸/۲ درصد از اعضاء هیأت‌علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت منابع پژوهشی در ترجمان دانش را ضعیف ارزیابی کرده‌اند و همچنین ۶۱/۸ درصد از افراد وضعیت منابع پژوهشی را متوسط و در نهایت تنها ۹/۵ درصد از اعضاء هیأت‌علمی وضعیت منبع پژوهشی را خوب ارزیابی کرده‌اند.

سؤال دوم پژوهش: وضعیت محتوای پژوهش در ترجمان

جدول ۲. آماره‌های توصیفی مربوط به محتوای پژوهشی (تعداد پاسخگو=۳۸۰)

میزان درصد طیف‌ها					سؤالات
کاملاً مخالف	مخالف	تا حدی موافق	موافق	کاملاً موافق	
۳۰	۵۱/۱	۵/۸	۹/۲	۳/۹	تناسب روش انجام پژوهش‌ها با مسئله مورد پژوهش
۹/۵	۳۵/۵	۱۵/۵	۲۱/۳	۱۷/۶	قابل اعتماد بودن منابع اطلاعاتی از لحاظ محتوایی
۹/۵	۳۲/۹	۲۱/۶	۱۶/۳	۱۹/۷	عدم انطباق نتایج حاصله از پژوهش‌ها با واقعیات موجود
۱۱/۳	۳۸/۹	۱۷/۶	۱۳/۲	۱۸/۷	عدم ارتباط محتوای پژوهش‌ها با مسائل مورد پژوهش
۲۳/۷	۴۴/۲	۱۵/۸	۹/۲	۶/۳	عدم ارزش علمی مقالات چاپ شده
۱۶/۳	۳۲/۱	۲۳/۲	۲۰/۵	۷/۶	عدم درک محتوای پژوهش‌های چاپ شده از سوی کاربران
۱۶/۳	۳۲/۱	۲۳/۲	۲۰/۵	۷/۶	اثربخشی مقالات چاپ شده
۲۰/۵	۴۲/۶	۶/۳	۱۷/۶	۱۲/۹	وجود قرابت محتوای پژوهش‌ها با آثار قبلی
۱۰/۸	۳۳/۹	۱۸/۲	۲۰	۱۶/۸	تلاش پژوهشگران در نوشتن مطالب با محتوا و نتایج جدید
۱۳/۴	۳۰	۲۶/۶	۲۰	۹/۷	عدم تأثیر مقالات چاپ شده در ارتقاء علم
۴/۲	۴/۷	۱۳/۲	۴۰/۵	۳۷/۷	استفاده‌ی پژوهشگران از منابع دسته اول هنگام تهیه متون علمی

سؤال سوم پژوهش: وضعیت زمینه‌ی پژوهش در ترجمان دانش از دیدگاه اعضای هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟

این مسئله توسط ۵ سؤال بسته از اعضای هیأت علمی پرسیده شده است، آنچه در جدول ۳ آمده است، دیدگاه اعضای هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی در ارتباط با زمینه‌ی پژوهش در فرایند ترجمان دانش است.

در مجموع یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۱۸/۲ درصد از اعضای هیأت علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت محتوای پژوهشی در ترجمان دانش را به صورت ضعیف ارزیابی کرده‌اند و همچنین ۵۶/۶ درصد از افراد وضعیت محتوای پژوهشی را متوسط و در نهایت ۲۰/۵ درصد از اعضای هیأت علمی وضعیت محتوای پژوهشی را خوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی مربوط به زمینه پژوهش (تعداد پاسخگو=۳۸۰)

میزان درصد طیف‌ها					سؤالات
کاملاً مخالف	مخالف	تا حدی موافق	موافق	کاملاً موافق	
۵/۳	۱۲/۶	۳۳/۷	۲۹/۷	۱۸/۷	عدم تمایل پژوهشگران به استفاده از منابع پژوهشی رقیبان خود
۱۱/۶	۲۰/۸	۳۳/۲	۲۳/۷	۱۰/۵	استناد مناسب پژوهشگران به سایر منابع علمی
۲۲/۵	۳۷/۴	۱۸/۴	۱۱/۳	۷/۱	عدم استفاده پژوهشگران از منابع الکترونیکی
۱۹/۲	۳۲/۱	۱۸/۲	۲۲/۹	۷/۴	عدم استناد پژوهشگران به منابع الکترونیکی
۲۲/۹	۳۹/۷	۲۲/۹	۸/۹	۵/۳	عدم تمایل پژوهشگران به انجام پژوهش‌های گروهی

ارزیابی کرده‌اند.

سؤال چهارم پژوهش: وضعیت محیط ارتباطی در ترجمان دانش از دیدگاه اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
این مسئله توسط ۷ سؤال بسته از اعضاء هیأت علمی پرسیده شده است. آنچه در جدول ۴ آمده است، دیدگاه آن‌ها در ارتباط با وضعیت محیط ارتباطی در ترجمان دانش است.

در مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۲۴/۲ درصد از اعضاء هیأت علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت زمینه پژوهش در ترجمان دانش را ضعیف ارزیابی و همچنین ۶۶/۶ درصد از افراد وضعیت زمینه پژوهش را متوسط و ۸/۲ درصد از اعضاء هیأت علمی وضعیت زمینه پژوهش را خوب

جدول ۴. آماره‌های توصیفی مربوط به محیط ارتباطی پژوهش (تعداد پاسخگو=۳۸۰)

میزان درصد طیف‌ها					سؤالات
کاملاً مخالف	کاملاً موافق	تا حدی موافق	مخالف	کاملاً مخالف	
۱۰/۸	۳۳/۹	۱۸/۲	۲۰/۰	۱۶/۸	سهولت دستیابی به آثار منتشرشده
۹/۵	۳۵/۵	۱۵/۵	۲۱/۳	۱۷/۶	امکان دستیابی به آثار منتشرشده به‌صورت تمام متن در محیط اینترنت
۲۳/۲	۴۴/۵	۷/۹	۱۴/۷	۹/۷	امکان دستیابی به آثار منتشرشده به‌صورت رایگان در محیط اینترنت
۹/۵	۳۲/۹	۲۱/۶	۱۶/۳	۱۹/۷	امکان دستیابی به آثار منتشرشده به‌صورت چاپی
۲۱/۶	۱۶/۳	۳۲/۹	۹/۵	۱۹/۷	امکان دستیابی به آثار منتشرشده از طریق دستگاه‌های آگاهی‌رسانی جاری
۱۱/۳	۳۸/۹	۱۷/۶	۱۳/۲	۱۸/۷	امکان دستیابی به آثار منتشرشده در زبان‌های دیگر
۲۰/۵	۴۲/۶	۶/۳	۱۷/۶	۱۲/۹	امکان برقراری ارتباط دوسویه با نویسندگان آثار

سؤال پنجم پژوهش: وضعیت کاربران در ترجمان دانش از دیدگاه اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
این مسئله توسط ۸ سؤال بسته از اعضاء هیأت علمی پرسیده شده است. آنچه در جدول ۵ آمده است، دیدگاه اعضاء هیأت علمی رشته‌های علوم انسانی در ارتباط با وضعیت کاربران در ترجمان دانش است.

در مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که ۳۰/۵ درصد از اعضاء هیأت علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت محیط ارتباطی را در ترجمان را به‌صورت ضعیف ارزیابی کرده‌اند و همچنین ۴۶/۳ درصد از افراد این وضعیت را به‌صورت متوسط و درنهایت ۲۲/۱ درصد از اعضاء هیأت علمی آن را خوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۵. آماره‌های توصیفی مربوط به کاربران (تعداد پاسخگو=۳۸۰)

میزان درصد طیف‌ها				سؤالات
کاملاً مخالف	تا حدی مخالف	موافق	کاملاً موافق	
۳۵/۸	۳۳/۷	۲۱/۳	۶/۶	دسترسی پژوهشگران به منابع لاتین
۳۷/۴	۳۲/۶	۲۱/۱	۵/۵	روزآمدی منابع علمی تألیف شده
۵۳/۴	۳۰/۵	۶/۸	۳/۴	وجود منابع دسته اول در رشته‌های علمی
۲۱/۳	۴۳/۷	۱۳/۲	۱۴/۲	دسترسی مناسب پژوهشگران به منابع الکترونیک
۲۰/۸	۴۲/۴	۱۴/۲	۱۶/۱	آشنایی مناسب پژوهشگران با چگونگی استفاده از منابع اطلاعاتی
۱۴/۵	۳۸/۹	۱۲/۴	۲۷/۱	رفع نیازهای آموزشی کاربران توسط منابع اطلاعاتی موجود
۵/۳	۱۲/۶	۳۳/۷	۲۹/۷	کاربردی بودن کتاب‌های جدید تألیف شده
۲۶/۶	۲۸/۹	۳۱/۸	۸/۹	کاربردی بودن کتاب‌های ترجمه شده

سؤال ششم پژوهش: وضعیت ترجمان دانش از دیدگاه
اعضاء هیأت علمی علوم انسانی کشور چگونه است؟
پس از ارائه‌ی تعریف ترجمان دانش به پاسخ‌دهندگان
(تسریع‌کننده چرخه‌ی دانش در راستای تبدیل دانش به عمل)،
در مورد این مسئله توسط ۶ سؤال بسته از اعضاء هیأت علمی
سؤال شده است.

در مجموع یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۳۰/۱
درصد از اعضاء هیأت علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت
کاربران را در ترجمان دانش به صورت ضعیف ارزیابی کرده‌اند
و همچنین ۵۸/۹ درصد از افراد وضعیت کاربران را به صورت
متوسط و در نهایت ۱۰ درصد از اعضاء هیأت علمی وضعیت
کاربران را به صورت خوب ارزیابی کرده‌اند.

جدول ۶. آماره‌های دیدگاه پاسخگویان نسبت به ترجمان دانش

میزان درصد طیف‌ها					سؤالات
کاملاً مخالف	تا حدی مخالف	موافق	کاملاً موافق	سؤال	
۶۱/۸	۱۴/۲	۱۶/۸	۳/۴	۳/۷	به نظر شما محصولات علمی در علوم انسانی قابل رؤیت هستند؟
۳۳/۹	۲۶/۳	۲۸/۴	۶/۸	۴/۲	به نظر شما علوم انسانی در جامعه ما کاربردی هستند؟
۶۳/۹	۱۶/۶	۱۲/۶	۴/۷	۲/۱	آیا پژوهش‌های انجام شده به صورت عملی سودمند واقع می‌شوند؟
۵۱/۳	۲۵/۵	۱۷/۱	۳/۹	۲/۱	به نظر شما پایان‌نامه‌های تدوین شده دارای نتایج کاربردی می‌باشند؟
۶۰/۰	۱۸/۲	۱۲/۱	۶/۸	۲/۱	به نظر شما مقالات منتشر شده چه میزان در دنیای واقعی استفاده می‌شوند؟
۳۲/۹	۲۸/۳	۲۹/۴	۸/۸	۴/۲	به نظر شما ترجمان دانش (تبدیل علم به محصول) به چه میزان مورد توجه واقع می‌شود؟

ترجمان دانش را به صورت ضعیف ارزیابی کرده‌اند و همچنین
۲۲/۴ درصد از افراد وضعیت ترجمان دانش را متوسط و

در مجموع یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۷۳/۴
درصد از اعضاء هیأت علمی در رشته‌های علوم انسانی وضعیت

در حوزه‌ی علوم انسانی برای پژوهشگران این حوزه راضی‌کننده و معتبر نیست. پژوهشگران حوزه‌ی علوم انسانی محتوای منابع پژوهشی را به‌طور متوسط قابل‌اعتماد ولی فاقد اثربخشی مناسب و کافی می‌دانند. ایشان عقیده دارند که آثار علمی پژوهشگران در ارتقاء علم مؤثر نیستند. مبرهن است که حوزه‌ی علوم انسانی در خطر حالت تشدید چندگانگی به سر می‌برد زیرا با وجود عقیده‌ی بزرگان کشور مبنی بر مهم و جهت‌دهنده بودن علوم انسانی حمایت مورد انتظار از این حوزه صورت نمی‌گیرد زیرا سوء تفاهم‌هایی نظری متوجه علوم انسانی شده و جایگاه کاربردی و سرنوشت‌ساز علوم انسانی فراموش شده است. نجات و همکاران (۱۳۸۷) دو اصل ساده‌سازی و صحت محتوا را در ترجمان دانش بسیار مهم می‌دانند. در تأیید این نکته می‌توان گفت، خلق محتوای مورد اعتماد و قابل‌فهم برای همه‌ی گروه‌های استفاده‌کنندگان هنری است که هر قلمی آستن آن نیست.

آنچه در این پژوهش به‌عنوان زمینه‌ی پژوهش مدنظر قرار گرفته، پیوند و ارتباط اطلاعات پژوهشی با سایر اطلاعات و محصولات علمی است. اکثریت پاسخ‌گویان (۴۸/۴ درصد) عقیده دارند در بین پژوهشگران علوم انسانی استناد به منابع پژوهشی رقیبان صورت نمی‌گیرد (جدول ۴)، که این متأسفانه حاکی از وجود سوگیری‌ها و غرض‌ورزی‌های علمی در جامعه‌ی علمی کشورمان است که جهت رفع این مورد باید زمینه‌سازی در ایجاد تعاملات علمی بین پژوهشگران در سطح داخلی و خارجی در علوم انسانی به‌عنوان راه‌کاری حتمی در قاموس علوم انسانی وارد شود. رواج این مطلب که شخصیت علمی افراد، نقد آثار و استفاده از محتوای ارزشمند آثار آن‌ها تنها بر مبنای معیارهای علمی - و نه احساسات شخصی - مورد پذیرش قرار گیرد؛ گامی ارزشمند جهت ارتقاء زمینه‌ی پژوهش‌ها خواهد بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان از آن است که در عین حال استناد به منابع الکترونیک در بین پژوهشگران رایج و در سطح مناسبی است (جدول ۴)، این موضوع حاکی از رواج صحیح فرهنگ الکترونیک و همگامی با پیشرفت‌های فناورانه دنیای کنونی در میان اعضای هیأت‌علمی علوم انسانی کشور است.

در نهایت تنها ۳/۴ درصد از اعضای هیأت‌علمی وضعیت ترجمان دانش را خوب ارزیابی کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش به‌عنوان منبع پژوهش مدنظر است، خاستگاه اطلاعات پژوهشی می‌باشد. در مجموع یافته‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که اکثر اعضای هیأت‌علمی رشته‌های علوم انسانی (۶۱/۸ درصد) وضعیت منابع پژوهشی را در ترجمان دانش متوسط ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۲۸/۲ درصد از اعضای هیأت‌علمی رشته‌های علوم انسانی وضعیت منابع پژوهشی در ترجمان دانش را ضعیف و تنها ۹/۵ درصد از ایشان آن را خوب ارزیابی کرده‌اند. این یافته‌ها حاکی از وضعیت نه‌چندان مناسب منابع پژوهش از دیدگاه اعضای هیأت‌علمی رشته‌های علوم انسانی کشور است. یعنی خاستگاه اطلاعات پژوهشی که در استفاده‌ی عملی از دانش تولیدشده و نیز ایجاد دانش جدید نقش مهم و اساسی دارد در علوم انسانی کشور در حد متوسط روبه پایین است. با توجه به این‌که علوم انسانی کمتر مبنی بر آزمایش است منابع پژوهشی در این علوم از اهمیت بسیار بالایی برخوردارند و احتمالاً عدم وجود نظریه‌پردازی صحیح و کافی در علوم انسانی از دلایل بروز چنین نتایجی است. فضلی (۱۳۹۰) در پژوهش خود در ارزیابی اهمیت منبع در به‌کارگیری نتایج پژوهش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی آن را بسیار با اهمیت دانسته، اما ایشان به بررسی کیفیت منابع پژوهشی در حوزه‌ی کاری خود نپرداخته است. سالمی و همکاران (۱۳۸۹) منابع پژوهشی حوزه‌ی پژوهش خود را در به‌کارگیری نتایج پژوهش مناسب دانسته‌اند اما وقت جامعه‌ی پژوهشی خود را برای مطالعه‌ی منابع جدید ناکافی ارزیابی کرده‌اند. یزدی‌زاده و نجات (۱۳۸۸) نیز منابع پژوهشی را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ارتقاء ترجمان دانش پژوهش مورد توجه قرار داده‌اند.

آنچه در این پژوهش به‌عنوان محتوای پژوهش مدنظر است، این است که اطلاعات پژوهشی دربرگیرنده‌ی چه موضوعاتی‌اند. به‌طور کلی یافته‌های این پژوهش در مورد محتوای پژوهش نشانگر این موضوع است که امروزه محتوای منابع علمی موجود

استابروکز و همکاران (۲۰۰۶) نیز در پژوهش خود به تلاش برای بسترسازی مناسب جهت اشتراک دانش اشاره کرده و اشاره می‌کنند که تأمین امنیت و حفظ حریم خصوصی کاربران به افزایش اعتماد و در نتیجه میزان به اشتراک‌گذاری دانش کمک می‌نماید. لانه و روژرز (۲۰۱۱) نیز در پژوهش خود ترجمان دانش را یکی از راه‌های ارزش‌گذاری دانش دانسته‌اند.

آنچه در این پژوهش به‌عنوان محیط ارتباطی پژوهش مدنظر است، چگونگی در دسترس قرار گرفتن اطلاعات پژوهشی است. با توجه به نتایج حاصله باید در اینجا به این موضوع توجه نمود که سهولت دسترسی به یافته‌های اصیل علوم انسانی نکته‌ای بسیار حائز اهمیت است زیرا جهان جدید و مدرن امروزی، باز کماکان ایدئولوژیک باقی‌مانده، چرا که از نظم و شیوه‌ای از زندگی سخن گفته که متضمن آزادی و عدالت در تاریخ بشر است و بنابراین چنین چیزی چگونه می‌تواند ایدئولوژیک نباشد و علوم انسانی کوششی برای افسون‌زدایی و حل و رفع بحران‌های ایدئولوژیک هستند. محیط و فضایی که اعمال پژوهشی در آن صورت می‌گیرد و مؤلفه‌های مربوط به آن، نقش بسیار پررنگی در چگونگی شکل‌گیری و تکامل چرخه‌ی پژوهش دارند. خرده سامانه‌ای که ساختار و چارچوب عوامل زمانی و مکانی مؤثر بر تولید و انتقال دانش را تشکیل داده و به‌عنوان جریان دانش شناخته می‌شود، یکی از عوامل مهم در تثبیت شرایط پژوهش است. در همین راستا هوسه (۲۰۰۸) نیز در خصوص کنش تقابل فرایند پیوستگی و مبادله‌ی فناوری اطلاعات و ارتباطات در امر ترجمان دانش بحث کرده است و این فناوری‌ها را در تبادل و انتقال دانش به‌عنوان امری مؤثر و کارا ولی نه بهترین گزینه معرفی کرده و بهترین روش ارتباطی برای انتقال دانش را شیوه‌ی «رودرو» می‌داند. نکته‌ی قابل تأمل این‌که دانپورت و پروساک (۱۳۷۹)، نیز مؤثرترین طریقه‌ی انتقال دانش را در اغلب سازمان‌ها استفاده از فناوری پیشرفته یا جلسات رسمی تبادل اطلاعات نمی‌دانند، بلکه تماس‌های اجتماعی غیررسمی بین افراد که در محیط‌های کوچک و صمیمی رخ می‌دهد را مهم‌تر تلقی کرده و سازمان‌ها را ناگزیر به تقویت سازوکارهای سنتی تبادل اطلاعات و ایجاد هرچه

بیشتر ارتباطات غیررسمی می‌دانند.

آنچه در این پژوهش به‌عنوان کاربران پژوهش مدنظر است، استفاده از اطلاعات پژوهشی به شیوه‌ی مناسب و بهینه است. با توجه به نتایج حاصله از این پژوهش، اعضاء هیأت‌علمی علوم انسانی دسترسی کاربران به منابع الکترونیکی (۶۵ درصد) را مناسب نمی‌دانند و این موضوع را مانع گردش صحیح علوم انسانی ارزیابی می‌کنند. رشته‌های مختلف علوم انسانی علاوه بر آن‌که می‌توانند نیاز صنایع، خدمات و جامعه در زمینه‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، مدیریت، بازاریابی و ... را تأمین کنند، با تولید محتوای مناسب و راهبردی می‌توانند ارزش افزوده تولید کرده و باعث ارتقاء و جهش در ادراک بشری شوند. دانایی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهش خود وضعیت عملکردی کاربران را در امر انتقال و ترجمان دانش پایین‌تر از وضعیت مناسب و ایده‌آل ارزیابی کرده‌اند اما در عین حال عقیده دارند که با رفع موانع و ارائه‌ی راهبردهای مناسبی هم‌چون، تشویق کاربران به استفاده‌ی صحیح از یافته‌های پژوهشی، می‌توان ترجمان دانش در دانشگاه را ارتقاء بخشید.

در راستای بررسی وضعیت ترجمان دانش در علوم انسانی، ۶۰/۲ درصد از اعضاء هیأت‌علمی علوم انسانی کشور عقیده دارند که علوم انسانی در جامعه‌ی ما کاربردی نیستند، توجه به علوم انسانی و پژوهش‌های انجام‌شده در آن‌ها باعث رشد معنوی و تفکر بالنده‌ی درونی افکار جامعه و تشکیل و تکامل کرسی‌های نظریه‌پردازی هستند و استفاده از یافته‌های آن‌ها تکامل فکری جامعه را در پی خواهد داشت. نتایج حاصله از این پژوهش، هشدار است برای همه‌ی افرادی که دستی در تولید، انتقال و اشتراک علوم انسانی دارند زیرا داشتن چنین عقیده‌ای از سوی کسانی که خود در بطن تولید و انتقال دانش در علوم انسانی هستند؛ نشان‌دهنده‌ی وضعیت قابل تأمل ترجمان دانش در علوم انسانی است. علوم انسانی اصولاً با وجود نقش مهم و اساسی که در ایجاد تحول و بالندگی فکر، روان و رفتار افراد دارند، هنگام پیش آمدن مباحث کاربردی و عملی در مهجوریت و انزوا قرار می‌گیرند. انزوای علمی که دارای ماهیت انسان‌سازی هستند، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به بدنه‌ی درونی

و عینی در سازمان‌ها: رویکردی عملیاتی به دو گام در فرایند مدیریت دانش. در: مجموعه مقالات اولین کنفرانس ملی مدیریت دانش. تهران: مؤسسه اطلاع‌رسانی نفت، گاز و پتروشیمی، مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت. دسترس‌پذیر در: <http://www.ensani.ir/fa/content/55967/default.aspx> دانایی، مریم، حسینی، محمدعلی، حبیب‌خدا، بهناز، فلّاحی، مسعود و فروزان، شکوه. (۱۳۸۸). بررسی وضعیت انتقال (ترجمان) دانش با تأکید بر انتقال یافته‌های پژوهشی در دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی سال ۸۸_۱۳۸۷. دو فصلنامه توسعه آموزش، ۲(۳)، ۹-۱۶. دسترس‌پذیر در:

http://www.zums.ac.ir/edujournal/browse.php?a_cod_e=A-10-3-23

داونپورت، تامس. اچ، و پروساک، لورنس. (۱۳۷۹). مدیریت دانش. ترجمه حسین رحمان‌سرشت. تهران: شرکت طراحی مهندسی و تأمین قطعات ایران خودرو داخلی (سپاکو)، واحد آموزش.

سالمی، صدیقه، شکوهی، مصطفی، عبیب‌پوش، ساناز، نجات، سحرناز، کاشانی، هما. (۱۳۸۹). شناسایی موانع به‌کارگیری یافته‌های تحقیقاتی در عملکرد بالینی پرستاران مراکز درمانی کشور. مجله اپیدمیولوژی ایران، ۶(۱)، ۱-۹. تاریخ دسترسی ۱۰ فروردین ۱۳۹۲. دسترس‌پذیر در:

http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/_/16168.pdf

فضلی، فرزانه. (۱۳۹۰). بررسی فرایند ترجمان دانش در علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پزشکی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران.

نجات، سحرناز، صدیقی، ژیللا، غلامی، ژاله و مجدزاده، سیدرضا. (۱۳۸۷). خودارزیابی انتقال دانش در مؤسسات پژوهشی (کاربردی کردن مدل «ترجمه دانش»). فصلنامه پایش، ۲۷، ۲۵۹-۲۶۸. دسترس‌پذیر در:

http://www.sid.ir/fa/VEWSSID/J_pdf/54613870310.pdf

یزدی‌زاده، بهاره و نجات، سیما. (۱۳۸۸). مداخله برای ارتقاء ترجمان دانش پژوهش: چرا و چگونه می‌توان بهره‌برداری دانش حاصل از پژوهش را از طریق مجلات علوم پزشکی افزایش داد؟. مجله نظریه‌پردازی در علوم پزشکی، ۳(۳)، ۶۰-۶۴. دسترس‌پذیر در: http://journals.tums.ac.ir/upload_files/pdf/13690.pdf

Baht, G. D. (2002). Management strategies for individual knowledge and organizational knowledge. *Journal of Knowledge Management*,

جامعه وارد می‌سازند. برای رفع این وضعیت ضعیف تشکیل گروه‌های هسته‌ی ترجمان دانش در گروه‌های علوم انسانی را می‌طلبد تا منظر عملی این علوم تقویت شده و محصولات علمی آن‌ها تبلور و نمود یابند. این امر مستلزم مشارکت فعال و همه‌جانبه‌ی گروه‌های علوم انسانی دانشگاه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) و پژوهشگران در عرصه‌ی این علوم است، بنابراین بایستی با توسعه‌ی جنبه‌های عملی علوم انسانی و ارائه‌ی نتایج قابل‌اجرا، تعدیل نگرش نخبگان و تغییر ادراک عمومی به تقویت ابعاد کاربردی علوم انسانی پرداخت تا شاید در آینده با پیاده‌سازی آن‌ها کاهش آسیب‌هایی به‌صورت انحراف، خطا، بی‌نظمی و اختلال در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، معنوی، اطلاعاتی و... در جامعه اتفاق افتد.

پژوهش‌های علوم انسانی به‌عنوان یک دانش زیربنایی و انسان‌ساز حاوی داده‌های واقعی هستند که ماهیتی کارکردی و سرنوشت‌ساز دارند که عدم درک، اجرا و کاربرد آن‌ها مولد شکاف‌های درونی در جامعه خواهد بود. اصولاً برای استفاده از علوم انسانی موضوع مقدم بر شیوه است زیرا اگر موضوعات مربوط به بطن جامعه نباشد، هیچ حسی به آن پیدا نمی‌شود و ارتباطی که لازمه‌ی مثمر‌تر بودن پژوهش‌ها و تبدیل داده‌ها به شواهد است شکل نمی‌گیرد. یکی از دلایل عدم کاربرد نتایج، غالباً کیفیت پایین مطالعات است که مانع استفاده تصمیم‌گیران جامعه‌ی هدف از نتایج پژوهش‌ها می‌شود. دخالت نتایج واقعی پژوهش‌ها در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری؛ بالندگی و ارتقاء در استقرار روح معرفت‌شناختی علوم انسانی در جامعه را در پی خواهد داشت. امروزه منظومه‌ی مناسبات علمی علوم انسانی در مارپیچ روابط دانشگاه-جامعه-دولت قابل تبیین است که منظر طلوع ظفرمندانه‌ی تطابق فکری علم و عمل در پوسته‌ی درونی جامعه به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی، روانی و معنوی موجود در دنیای امروزی است.

منابع

ارسطوپور، شعله. (۱۳۸۶). استخراج و سازمان‌دهی دانش ضمنی

6(1), 31-39.
<http://dx.doi.org/10.1108/13673270210417673>

Estabrooks, C. A., Thompson, D. S., Lovely, J. J. E. and Hofmeyer, A. (2006). A guide to knowledge translation theory. *Journal of Continuing Education in the Health Professions*, 26, 25-36. <http://dx.doi.org/10.1002/chp.48>

Fiol, C. M., & Lyles, M. A. (1985). Organizational Learning. *The Academy of Management Review*, 10(4):803-813.
<http://www.jstor.org/stable/pdfplus/258048.pdf?acceptTC=true>

Fricke, M. (2009). The knowledge pyramid: A critique of the DIKW hierarchy. *Journal of Information Science*, 35: 131-142.
<http://arizona.openrepository.com/arizona/bitstream/10150/105670/1>

Geuna, A. & Muscio, A. (2008). The Governance of University Knowledge Transfer. *sewps. spru Electronic Working Paper Series*, 173. University of Sussex.
<http://www.ausicom.com/filelib/PDF/ResearchLibrary/Governance>

Househ, M. S. (2008). A Case Study in Knowledge Translation: Developing a Conceptual Framework to Evaluate the Role of Information and Communication Technology on Linkage and Exchange Processes in Distant Drug Policy Group. Doctoral Dissertation, School of Health Information Science, University of Victoria.
<http://hdl.handle.net/1828/1358>

Landry, R., Lamari, M. and Amara, N. (2003). The Extent and Determinants of the Utilization of University Research in Government Agencies. *Public Administration Review*, 63, 192-205.
<http://dx.doi.org/10.1111/1540-6210.00279>

Lane, J. P., Rogers, J. D. (2011). Engaging national organizations for knowledge translation: comparative case studies in knowledge value mapping. *Implementation Science*, 6, 106.
<http://dx.doi.org/10.1186/1748-5908-6-106>

National Institute on Disability and Rehabilitation Research (2006) The Research Utilization Support and Help (RUSH) Project Research Utilization Fosters Movement from Innovation into Practice.
www.researchutilization.org/learnru/welcome2ru/